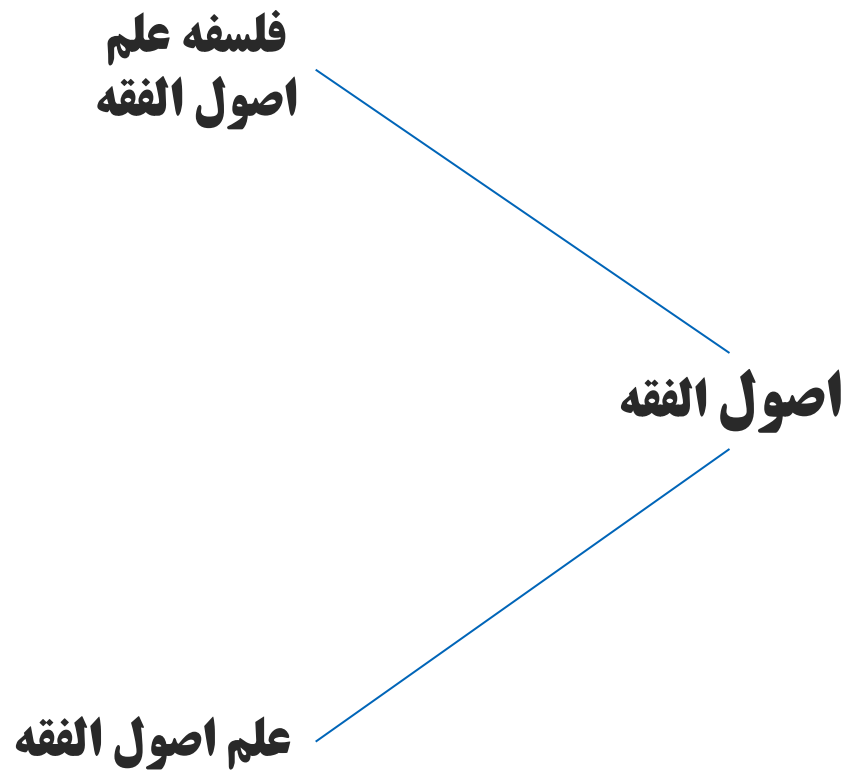


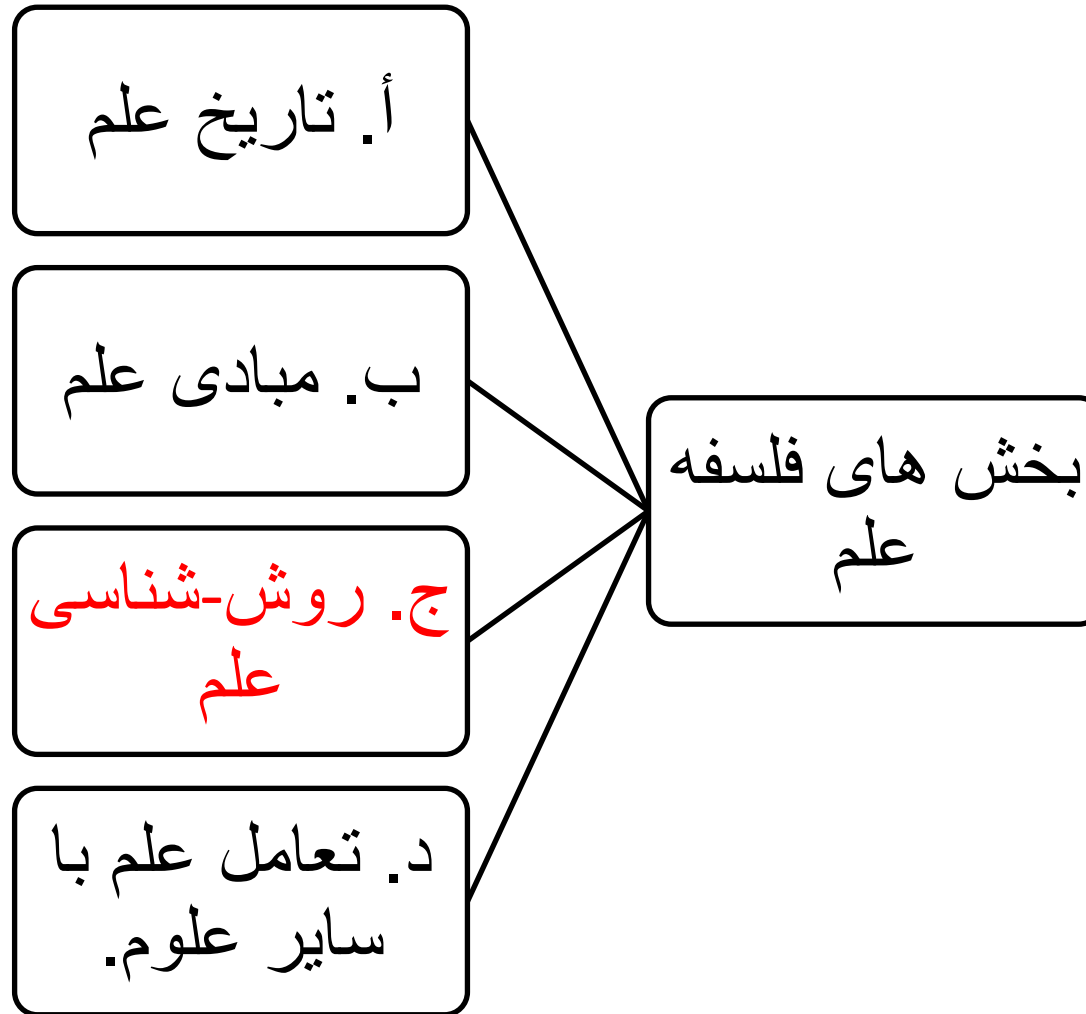
علم أصول الفقه

۲۲

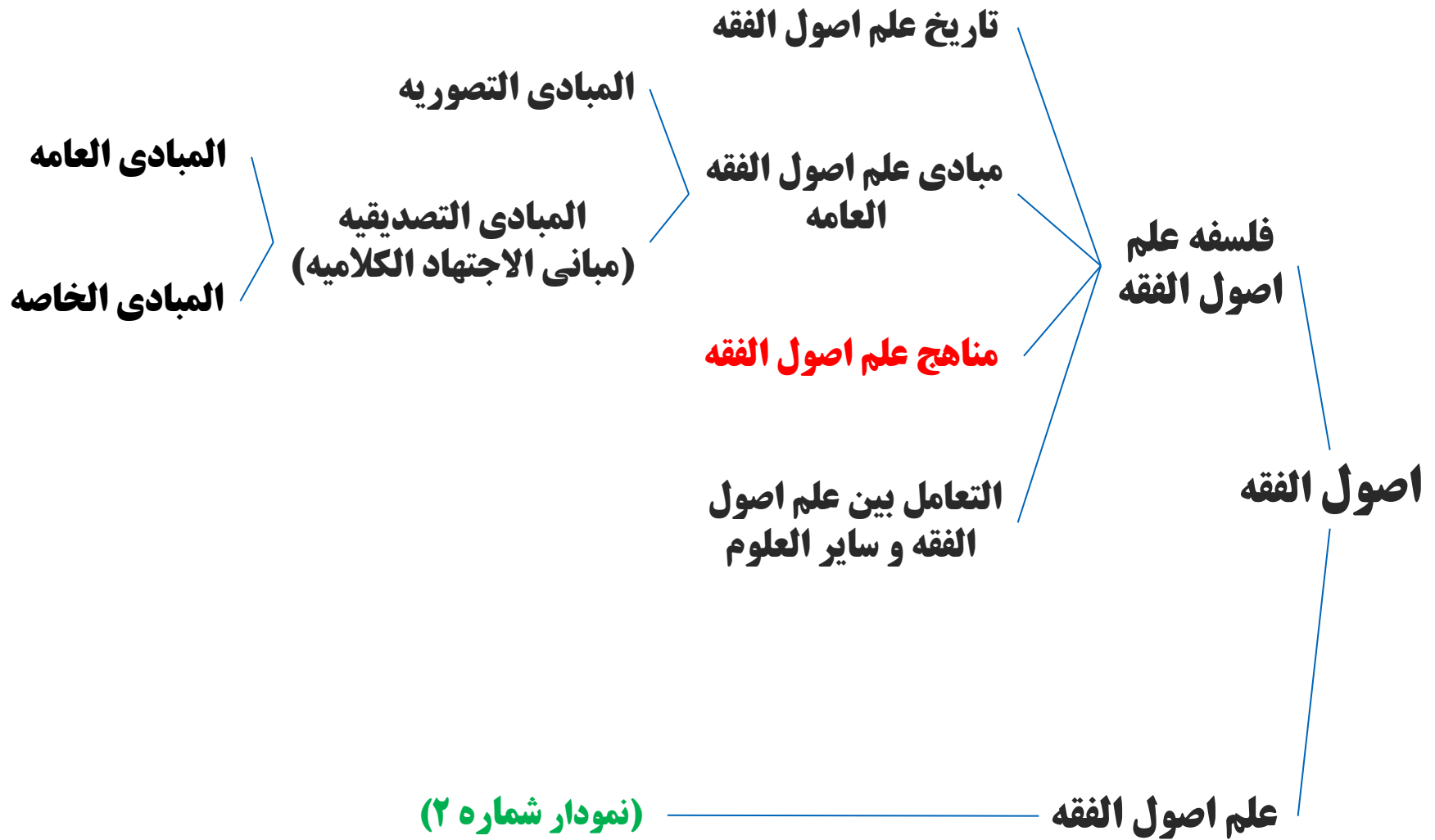
۹۳-۲-۳۱ روش شناسی

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني





(نمودار شماره ۱)



روش شناسی
بخشی از
فلسفه‌ی یک
علم

روش
چیست؟

تعریف دوری

روش، مسیر
حرکت است.

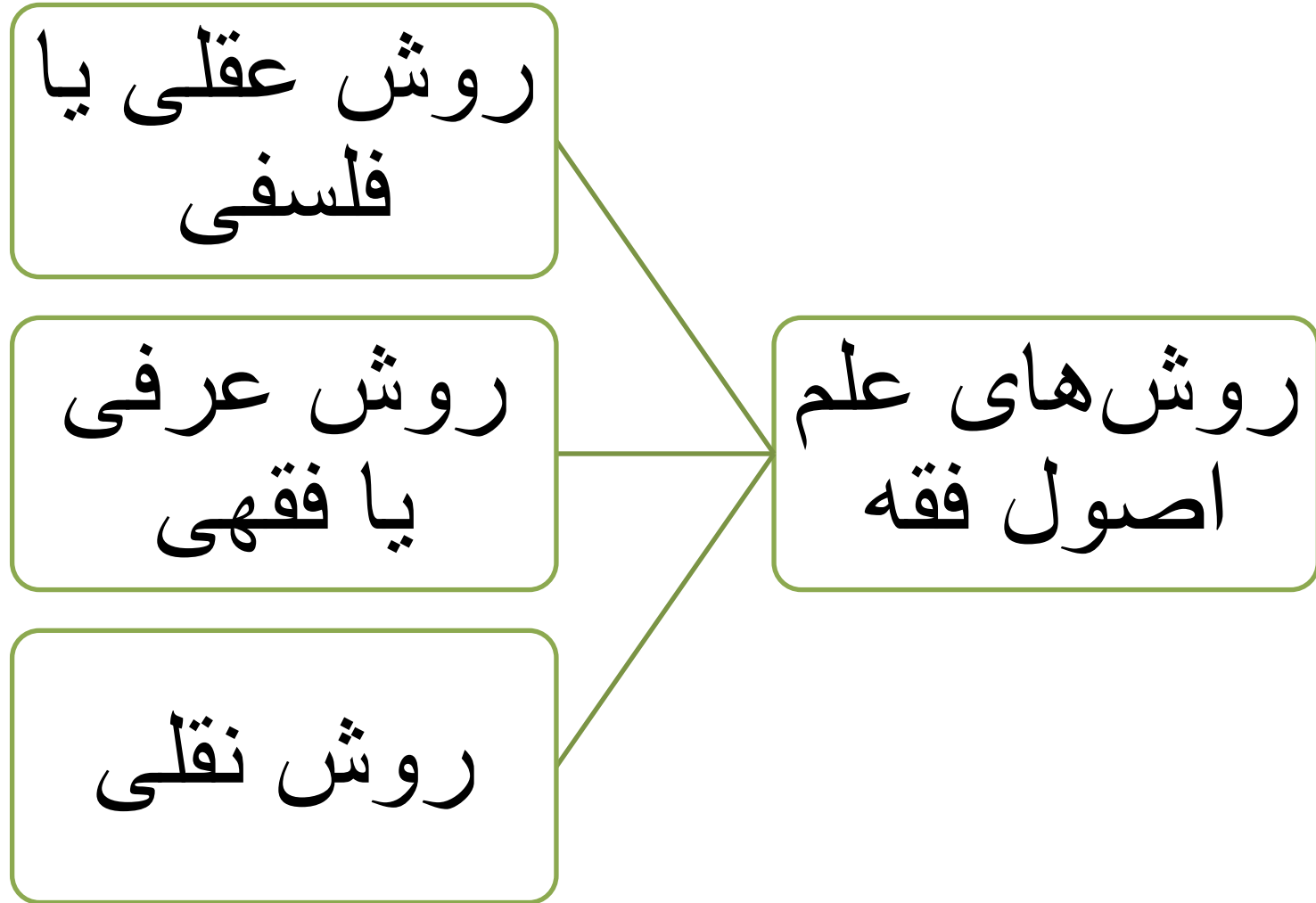
مسیرهای
همگون را
یک روش
تلقی می‌کنیم.

بین منطق و
متدلوژی چه نسبتی
برقرار است؟

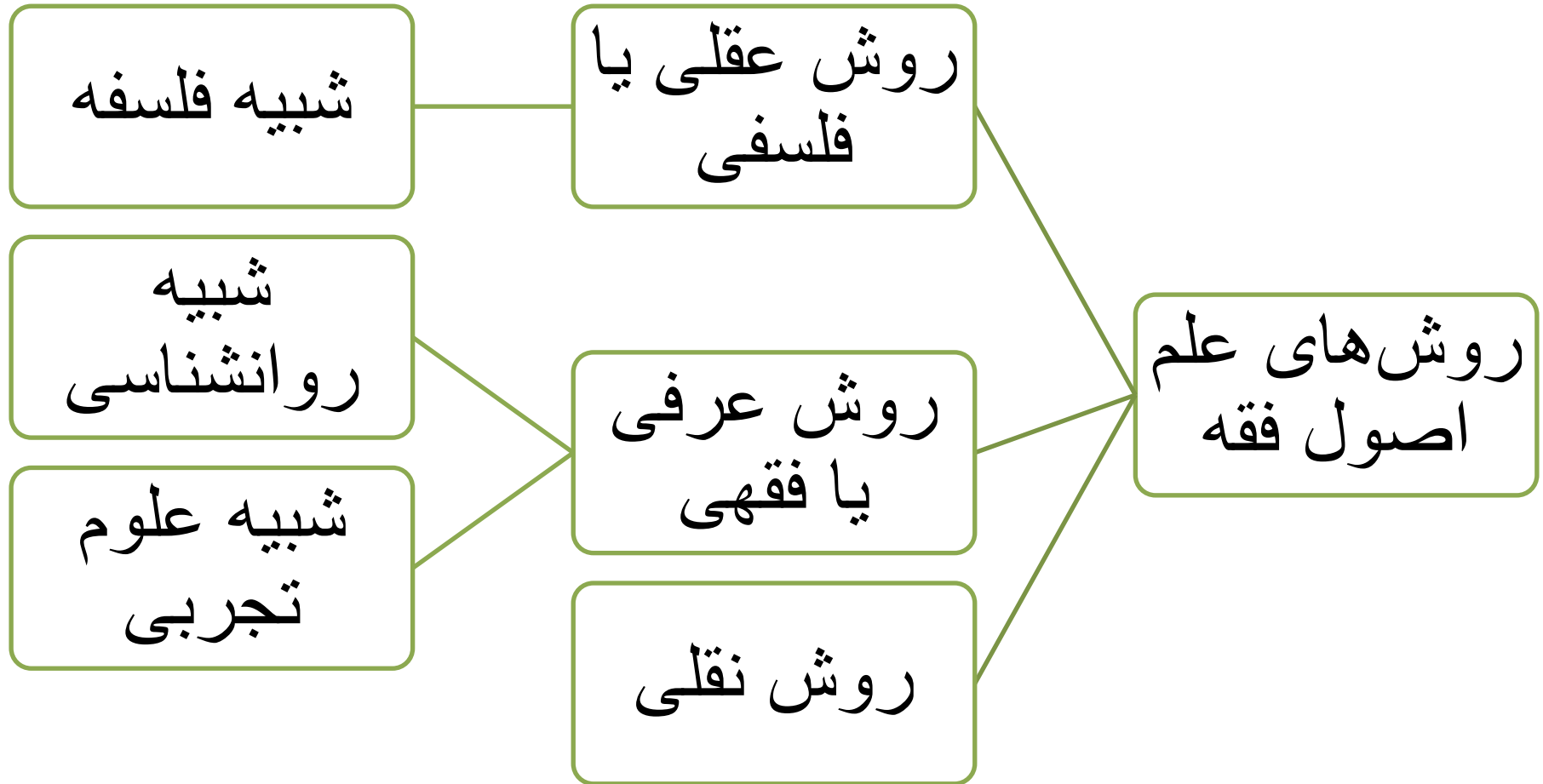
منطق از فکر بحث
می‌کند و متدلوژی از
متد و روش که همان
مسیر فکر است.

منطق و متدلوژی،
دو نگاه هستند به
یک چیز.

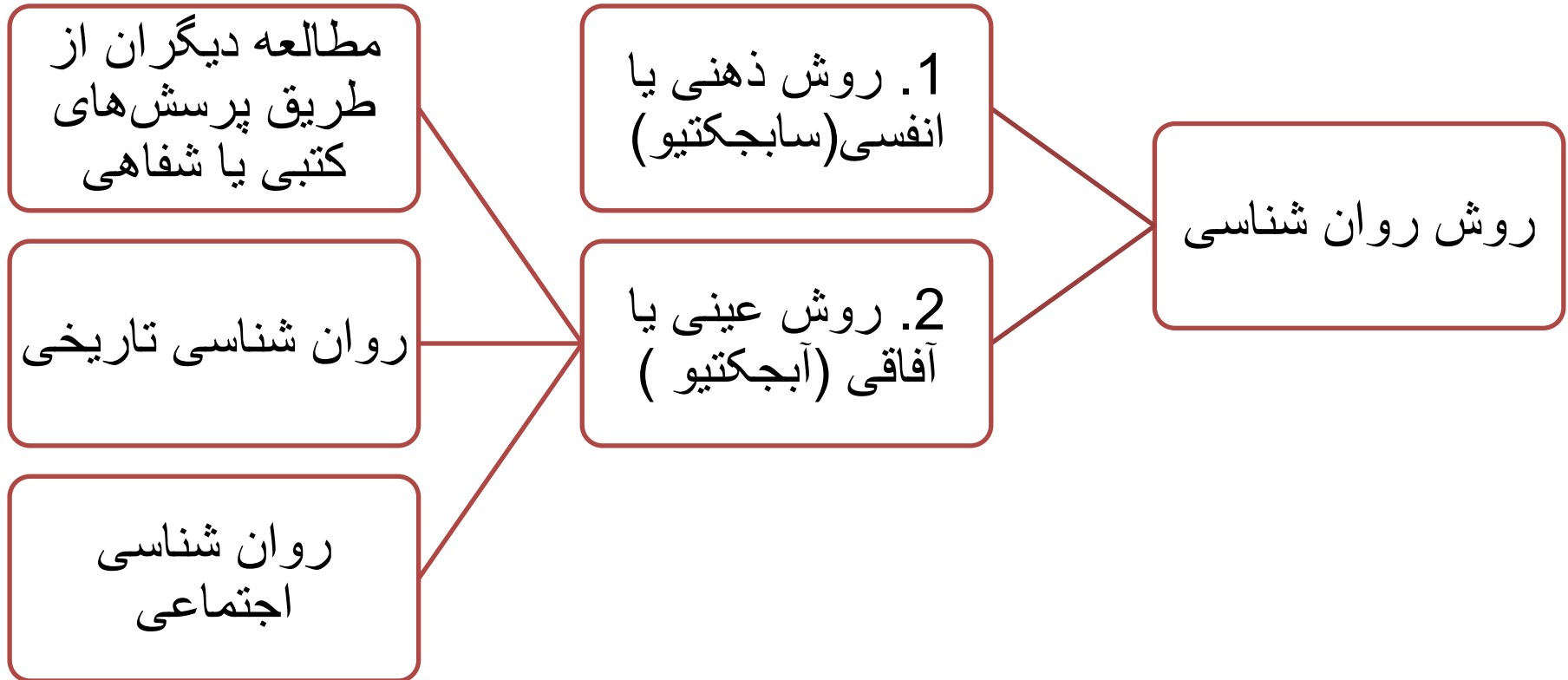
بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



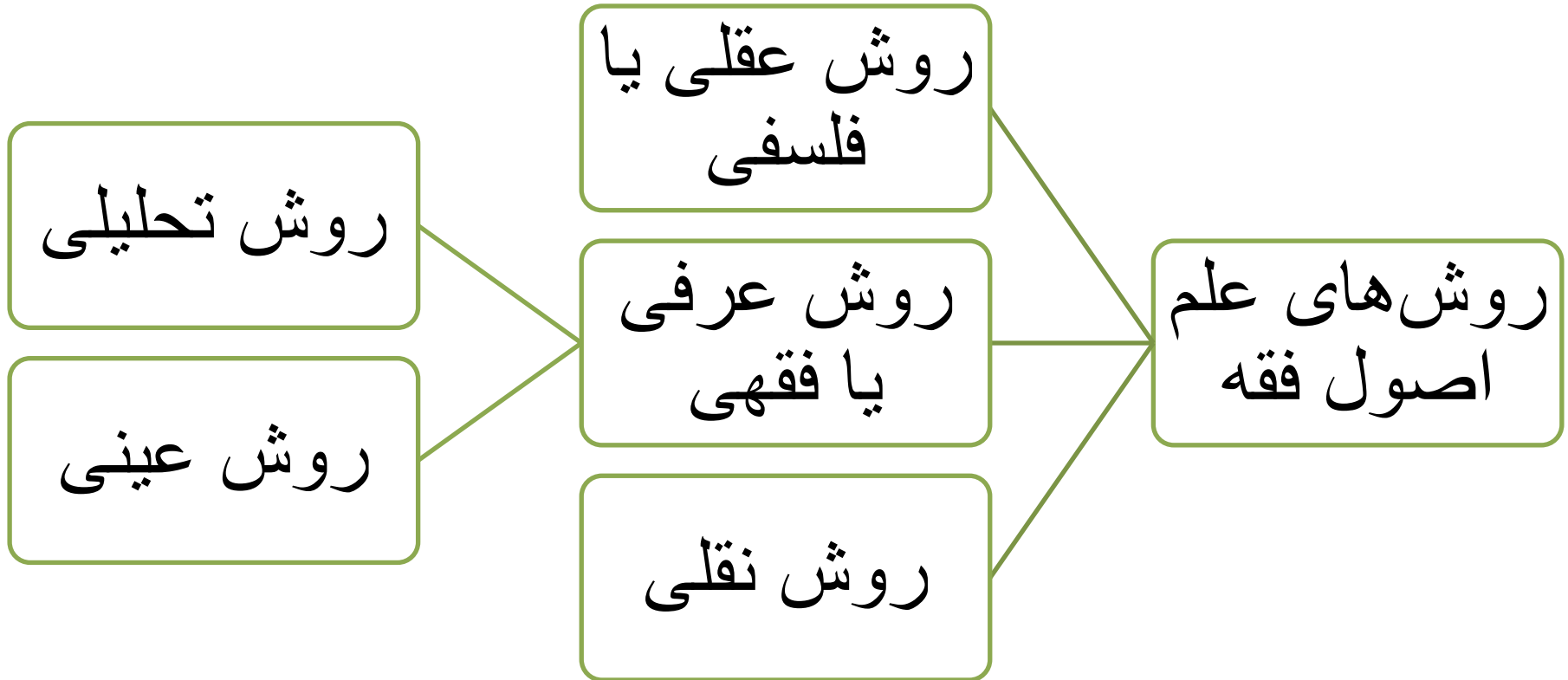
بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



روش در روان شناسی



بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

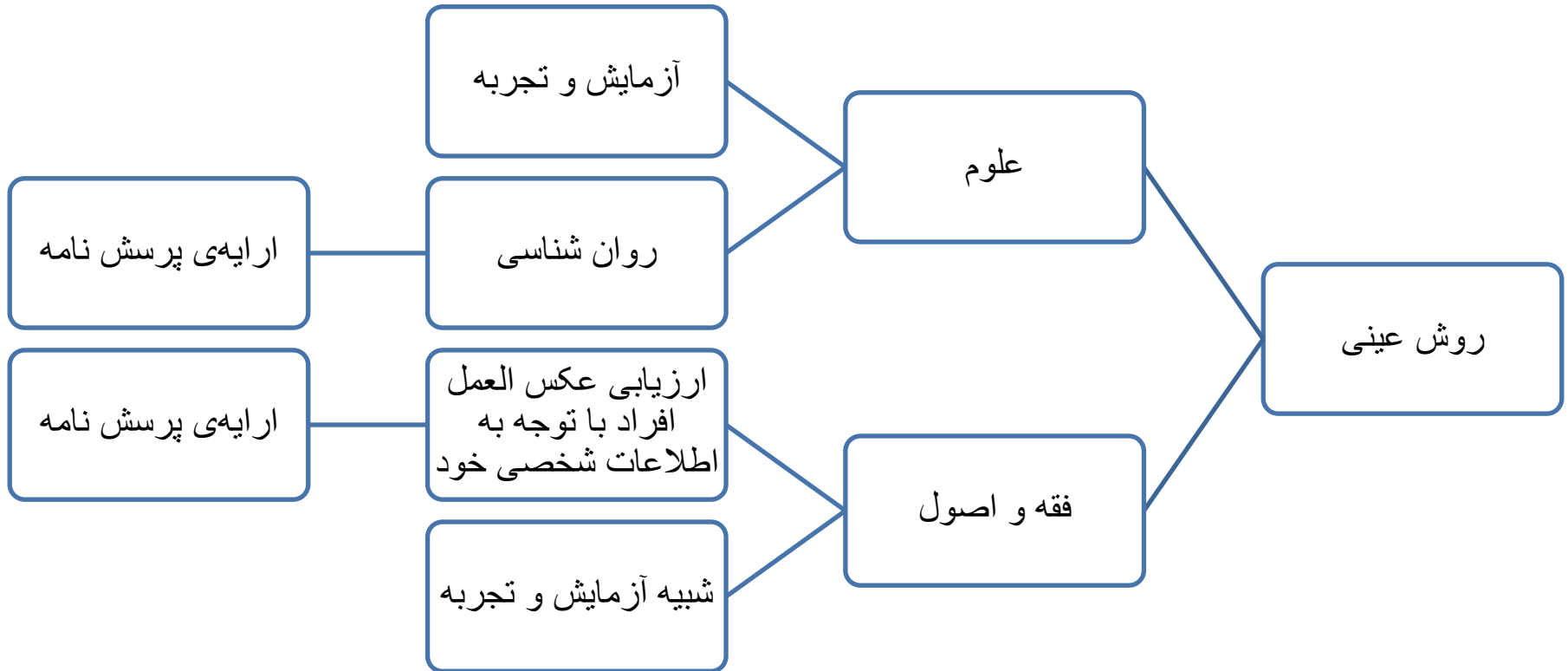


روان شناسی

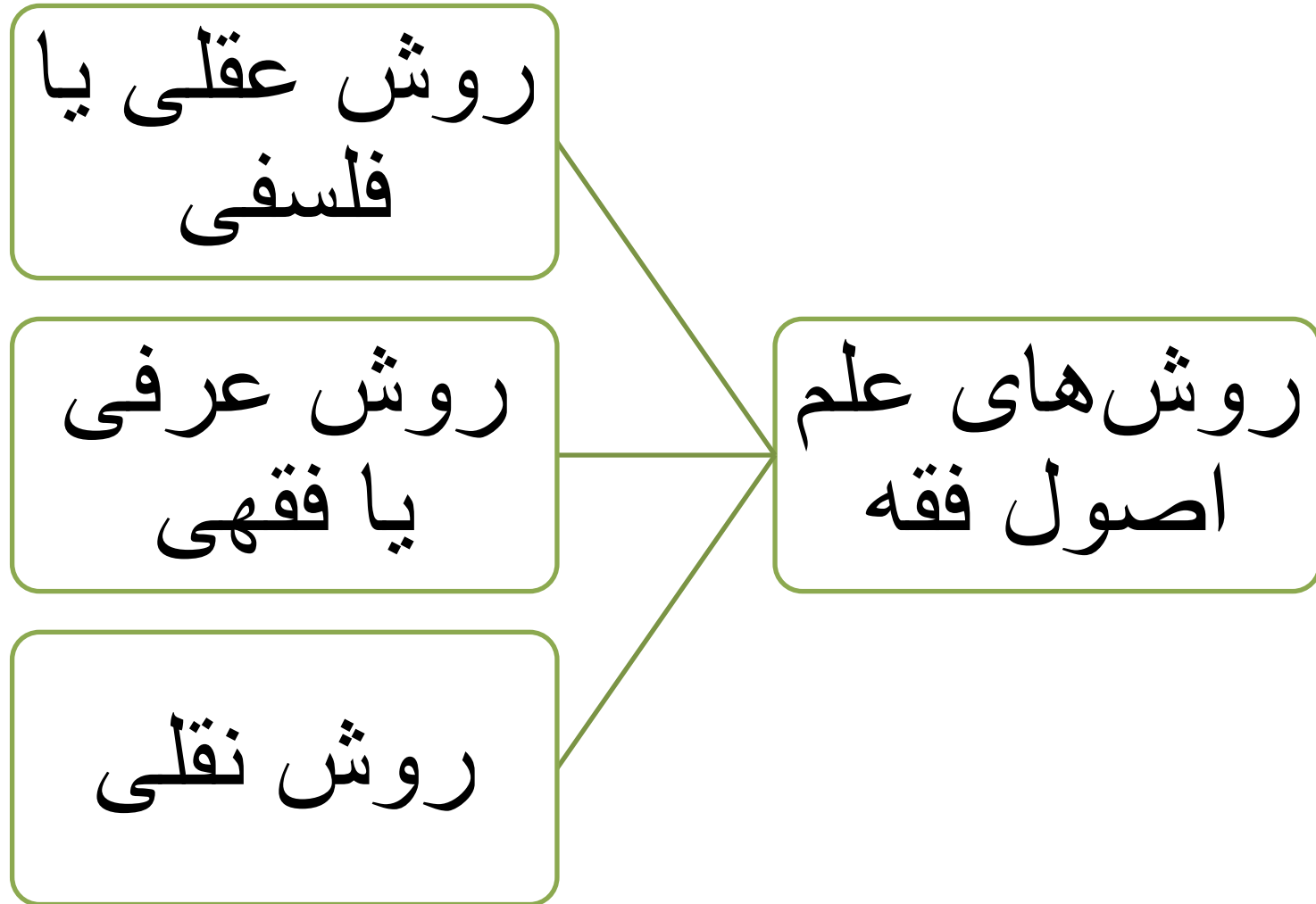
فقه و اصول

روش تحلیلی

۲. روش عینی



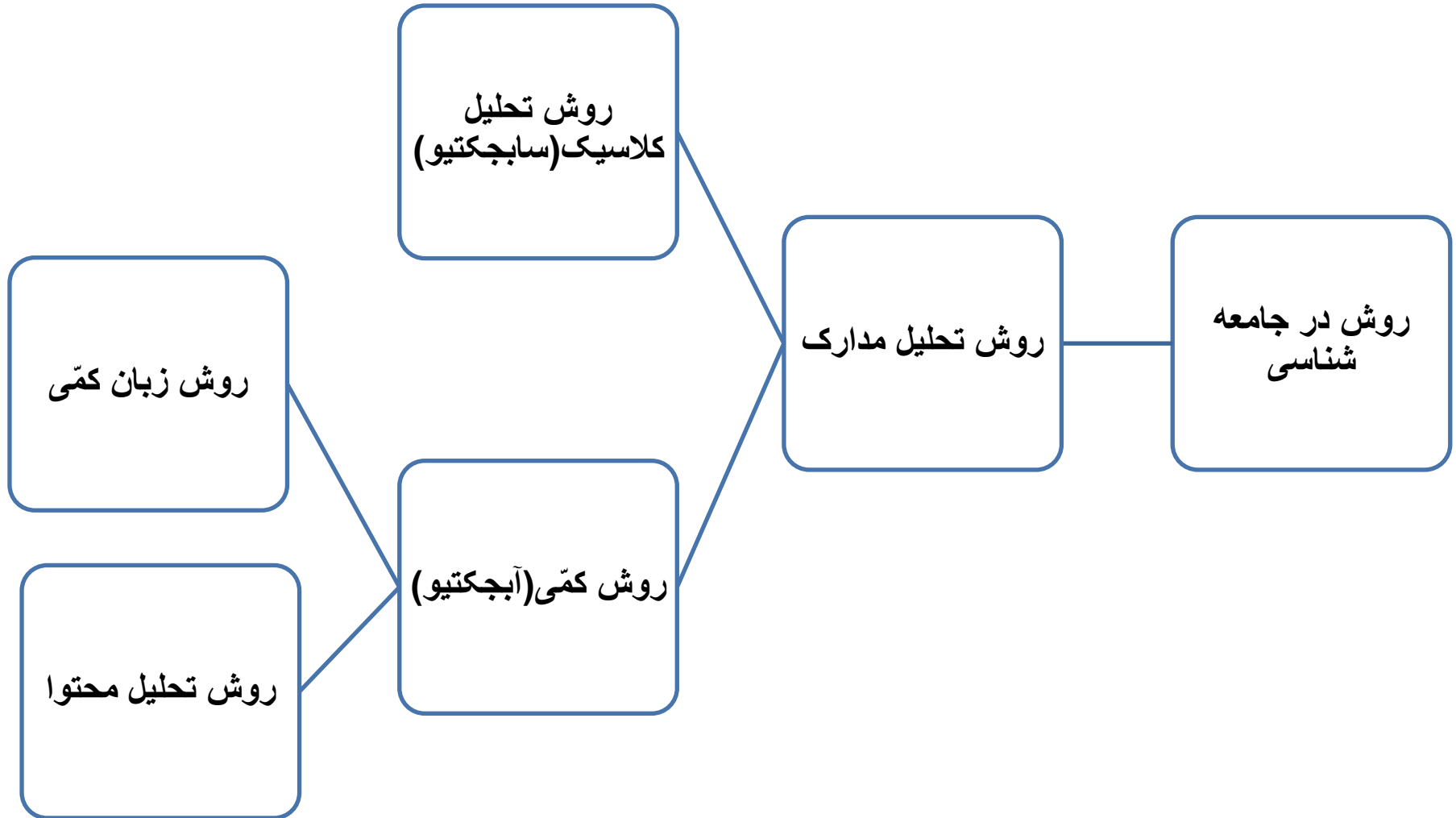
بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



فصل سوم: روش نقلی

- در بخشی از بحث‌های اصولی، مطالبی وجود دارد که اصولی از طریق نقل و با روشی که در دانش‌های نقلی مثل تاریخ به کار می‌رود، با مسأله برخورد می‌کند.
- در این موارد اصولی از روشی بهره می‌گیرد که به آن روش نقلی می‌گوییم.
- این روش مورد استفاده‌ی فقیه نیز قرار می‌گیرد.

روش در جامعه شناسی



انتقاد تاریخی

روش در علم
تاریخ

فصل سوم: روش نقلی

- در واقع هر جایی که اصولی یا فقیه می‌خواهد مطلبی را از طریق نقل سنت یا نقل اجماع یا نقل شهرت اثبات کند، روشی که به کار گرفته، یک روش نقلی است.
- بنابراین دایره‌ی کاربرد روش نقلی، اضافه بر نقل سنت، نقل اجماع و نقل شهرت را نیز در بر می‌گیرد؛ اما به صورت خاص و عمده در نقل سنت به کار می‌رود.

فصل سوم: روش نقلی

- این سه مورد - نقل سنت و نقل اجماع و نقل شهرت - سه موردِ معروف و شناخته شده و آشکار قضیه است.
- و به آنها دو مورد دیگر را هم می‌توان اضافه نمود:

فصل سوم: روش نقلی

- ۱. مورد اول خود قرآن است. قرآن به تواتر به ما رسیده است. بنابراین در تمسک به آن، روش نقلی مدخلیت دارد. برای توضیح این مطلب کافی است به برخی مباحث گذشته مراجعه نماییم.
- همان طور که قبلاً گفتیم برای استناد به قرآن باید برخی مطالب مورد بحث و بررسی و اثبات قرار گیرد که از جمله‌ی آنها می‌توان به مباحث زیر اشاره نمود:

فصل سوم: روش نقلی

- - آیات قرآن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نازل شده و به همان شکل نزول ثبت شده‌اند؛ نه چیزی بر آنها افزوده شده و نه چیزی از آنها کاسته شده است.
- - ترتیب و چینش آیات با هدایت الهی صورت گرفته است.

فصل سوم: روش نقلی

- - آیات قرآن در زمان حضرت صلی الله علیه وآله توسط کتاب نوشته شد و در همان موقع تنظیم گردید و....

فصل سوم: روش نقلی

- در نهایتِ این بحث‌ها، و حیانی بودن قرآن اثبات می‌گردد. اما آیا قرآنی که هم اکنون در اختیار ما است، همان قرآنی است که به حضرت صلی الله علیه وآله نازل شده است؟

فصل سوم: روش نقلی

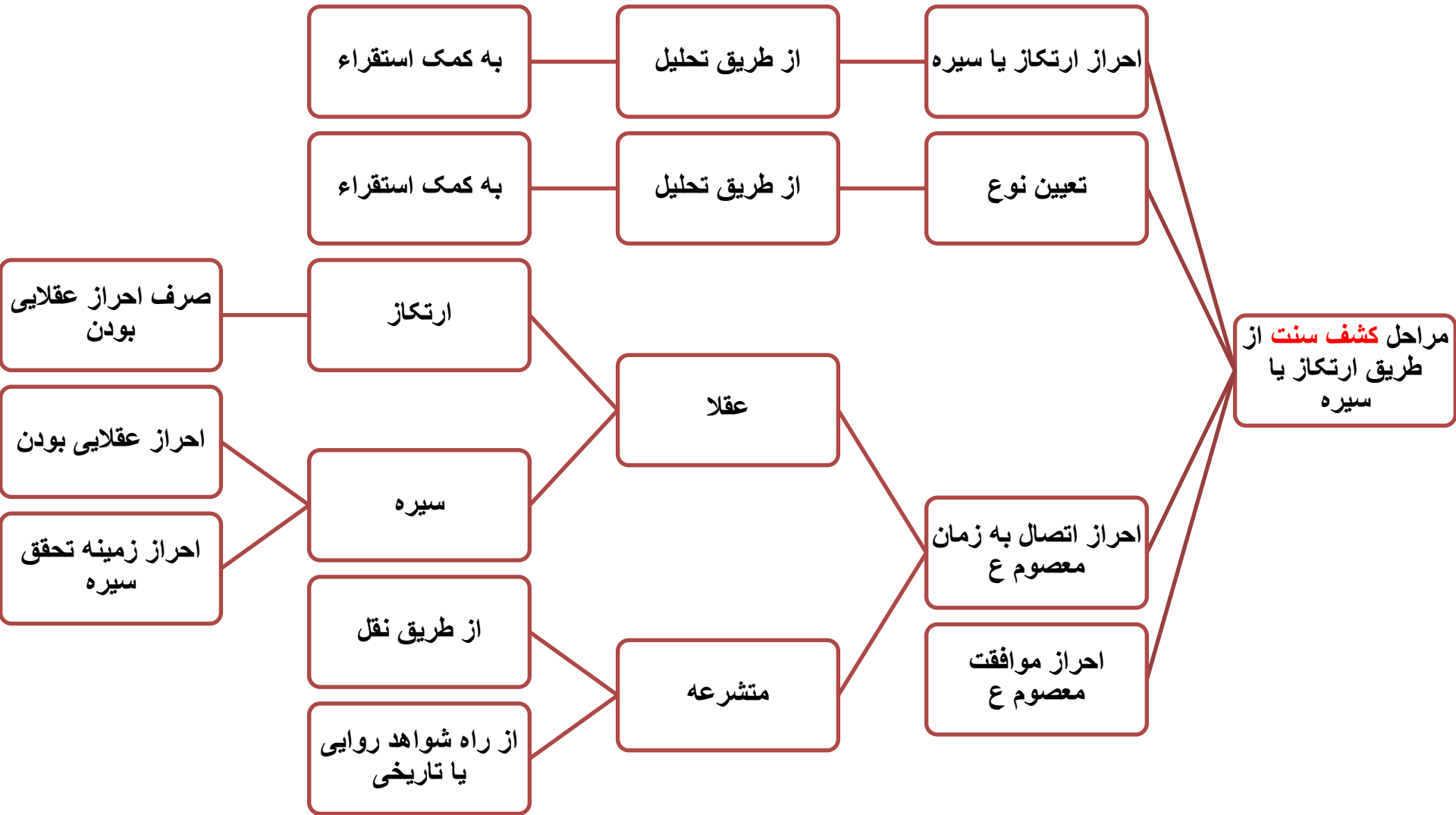
- آنچه ما را به آن زمان مرتبط می‌کند و پاسخ این پرسش را برای ما معلوم می‌دارد، نقل است.
- نقلی که اینجا مطرح است و چندان هم به آن اعتنا نمی‌شود، نقل متواتر است. ما به دلیل همین تواتر، از خودِ نقلِ صرفِ نظر می‌کنیم و در رجوع به قرآن، قرآن را عیناً همان قرآنی تلقی می‌کنیم که بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شده است و معتقدیم که اگر زمان حضرت صلی الله علیه وآله هم بود، همین آیات وجود داشت و چیزی غیر از اینها نبود.

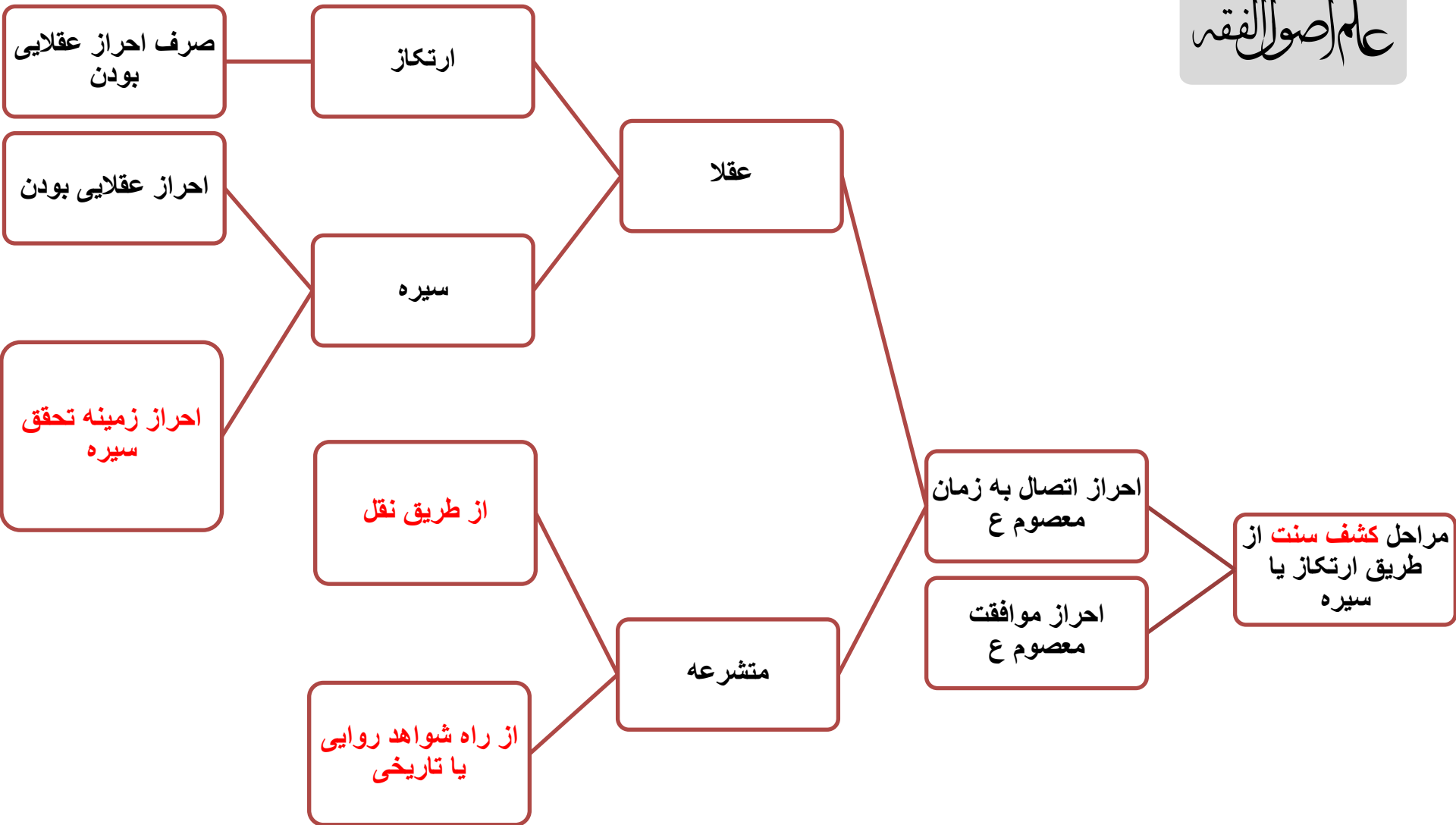
فصل سوم: روش نقلی

- در واقع به دلیل این که این نقل متواتر است، حالت نقلی بودن قرآن را لحاظ نمی‌کنیم و به اصطلاح اصولی قرآن را قطعی الصدور می‌دانیم؛ ولی در عین حال وقتی به قرآن تمسک می‌کنیم، به روش نقلی عمل می‌نماییم.

فصل سوم: روش نقلی

- ۲. مورد دومی که به عنوان مصداقی برای روش نقلی ذکر می‌کنیم، سیره است.
- وقتی می‌خواهیم بدانیم سیره‌ی موجود در زمان ما، در زمان گذشته هم وجود دارد، به نقل‌هایی استناد می‌کنیم که در مورد آن سیره از زمان گذشته بیان شده است و این روش یعنی مراجعه به اسناد تاریخی و استفاده از نقل، یکی از روش‌هایی بود که شهید صدر برای احراز اتصال یک سیره به زمان معصوم علیه السلام نام برد و ما کمی قبل آن را بیان نمودیم.





فصل سوم: روش نقلی

- لازم به ذکر است که این مورد خارج از دایره‌ی قرآن و سنت و اجماع و شهرت است. یعنی اگرچه یک سیره یا ارتکاز در بعضی حالات کاشف سنت است؛ اما سیره و ارتکاز با سنت تفاوت دارد.

فصل سوم: روش نقلی

- ما در اینجا می‌خواهیم بگوییم: قبل از کشف سنت از طریق سیره و ارتکاز، می‌توان با استفاده از روش نقلی به وجود سیره یا ارتکازی در زمان گذشته پی برد.

فصل سوم: روش نقلی

- بله وقتی احراز کردیم که اولاً سیره و ارتکازی در زمان معصوم علیه السلام وجود داشته و ثانیاً از ناحیهی آنها مورد ردع قرار نگرفته، درمی یابیم که این سیره یا ارتکاز مورد قبول آنها بوده است و بدین وسیله سنتی را کشف می کنیم. بنابراین بحث احراز وجود یک سیره یا ارتکاز در زمان گذشته قبل از بحث کشف سنت از طریق سیره یا ارتکاز مطرح است.

شبهات علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- علم تاریخ از جمله علمی است که در آنها با روش نقلی به پژوهش و تحقیق پرداخته می‌شود و علم اصول از این جهت شبیه به علم تاریخ است.

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- مقصود ما از علم تاریخ، غیر از صرف تاریخ نگاری است که در گذشته وجود داشته است. در آن زمان مورخان فقط به ثبت حوادث تاریخی می پرداختند.
- امروزه علم تاریخ اضافه بر تاریخ نگاری به ارزیابی و نقد اسناد تاریخی گذشته و بررسی و بازسازی آن می پردازد، و از این جهت دانشی است که جزو دانش های کهن محسوب نمی شود، هر چند اصل تاریخ نگاری امر کهنی است.

شبهات علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- روشی که در علم تاریخ برای بررسی اسناد به کار می‌رود و به آن روش نقلی یا تاریخی می‌گوییم، از قرن‌ها پیش در علم اصول با دقت فراوان مورد استفاده قرار گرفته است.
- اما برای این که بفهمیم علم اصول در کجا به علم تاریخ شبیه است، باید به عنوان مقدمه به مطلب زیر توجه کنیم:

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- مورخان اسنادی را که برای بازسازی تاریخ به کار می‌روند، به دو دسته تقسیم می‌کنند:

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- ۱. اسناد مادی: منطقه‌ای که یک حادثه‌ی تاریخی در آن اتفاق افتاده، ساختمان‌ها و ابزارهای که از گذشتگان باقی مانده، همگی جزو اسناد مادی هستند.

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- مثلاً محل اُحُد و کوهی که به همین نام در آنجا وجود دارد، یکی از مدارک مادی برای یک مورخ است که با آن می‌تواند به صحت و سقم اطلاعات داده شده از جنگ اُحُد که خارج از مدینه رخ داد، پردازد.
- مورخ با بررسی جغرافیای محل اُحُد می‌تواند دریابد که آیا آن جنگ می‌تواند به آن گونه که نقل شده در آن محل اتفاق افتاده باشد یا خیر؟ همچنین ابزارهای باقی مانده از گذشته مثل شمشیر، زره، کوزه و... از جمله وسایلی است که برای بازسازی حوادث گذشته، مورخ را یاری می‌کند.

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- این دسته از اسناد مورد استفاده‌ی اصولی و فقیه قرار نمی‌گیرد و آنها اصلاً به این نوع اسناد کاری ندارند.

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- ۲. اسناد نفسانی: اسناد نفسانی اسنادی هستند که به نحوی اندیشه‌ی بشر، فکر و خلاقیت او در آنها وجود دارد و در واقع بیان مطالبی از سوی بشر هستند.

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- واضح ترین مصداق اسناد نفسانی، اسناد مکتوب است. کلمات و مطالبی که در مورد یک حادثه‌ی تاریخی نوشته شده و یا بیانگر عباراتی از گفته‌های یک شخص است و یا...، اسناد مکتوب به حساب می‌آیند.
- و البته در کنار آنها هر نوع سندی که به نوعی تفکر و اندیشه را انتقال می‌دهند مثل یک تابلوی نقاشی، معماری یک ساختمان، هنری که در ساخت اشیاء مثل کوزه به کار رفته و... در زمره‌ی اسناد نفسانی قرار می‌گیرند.

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- در بحث اسناد نفسانی که مهم-ترین آنها همین الفاظ و کلمات هستند، علم اصول با تاریخ بسیار به هم نزدیک می‌شوند. ما در علم اصول روش نقلی یا تاریخی را در همین اسناد مکتوب یا منقول (شفاهی) به کار می‌بریم که از قبیل اسناد نفسانی در علم تاریخ است.
- به دلیل این که در این روش، اسناد مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند، به این روش، انتقاد یا روش نقادی نیز می‌گویند.

بررسی اسناد نفسانی

- بررسی اسناد نفسانی
- در بررسی اسناد نفسانی چند بحث مطرح است.
- ا. بررسی صدور اسناد
- ب. بررسی محتوایی (دلالی) اسناد
- ج. بررسی اسناد در کنار اسناد دیگر

أ. بررسی صدور اسناد

- أ. بررسی صدور اسناد

أ. بررسی صدور اسناد

- یکی از بحث‌هایی که در استفاده از اسناد مطرح است، سندیت داشتن آنها است. در این بررسی یک مورخ یا یک اصولی می‌خواهد بداند آیا مطلبی را که به یک شخص نسبت می‌دهند، واقعاً گفته است یا خیر؟

أ. بررسی صدور اسناد

- آنچه ما در علم اصول و در علم فقہ راجع به اسناد روایات و منقولات و حتی خود قرآن انجام می‌دهیم، همین ارزیابی سندی آنها است.
- البته قرآن به دلیل این که نقلش متواتر است، چندان مورد بحث قرار نمی‌گیرد؛ اما در واقع در رتبه‌ی سابق به نحوی از انحا یک ارزیابی سندی در آن هم صورت می‌پذیرد.
- ولی به صورت خاص در بحث روایت که به ویژه مورد توجه اصولی‌ها و فقها است، ارزیابی یک سند به تأمین سندیت آن برمی‌گردد.

أ. بررسی صدور اسناد

- در تأمین سندیت یک سند در تاریخ، مورخ باید آن سند را به گونه‌ای ارزیابی کند که نهایتاً اطمینان به سندیت آن پیدا کند. در حالی که در علم اصول در بحث حجیت خبر واحد، لااقل در حوزه‌ی نقل سنت، معیاری برای سندیت مطرح می‌شود که با آن معیار، اصولی و فقیه از ضرورت دستیابی به اطمینان فارغ می‌شوند.

أ. بررسی صدور اسناد

- در آنجا گفته می‌شود که وقتی خبری توسط یک شخص مورد اعتمادی نقل شود، از لحاظ معیارهای شرعی برای اثبات حکم مورد نظر کافی است.
- به همین دلیل در علم فقه یا اصول ضرورت دستیابی به اطمینان را در مورد سنت معمولاً نفی می‌کنیم و می‌گوییم برای استناد به سخن معصوم علیه السلام لازم نیست اطمینان به صدور چنین سخنی از معصوم علیه السلام پیدا کنیم، بلکه کافی است شخص یا اشخاصی که این سخن را نقل کرده و به ما رسانده‌اند، مورد اعتماد و اطمینان باشند.

أ. بررسی صدور اسناد

- البته در بین فقها و اصولی‌ها هستند کسانی که در بحث خبر واحد، معیار را وثاقت راوی نمی‌دانند، بلکه موثوقیت صدور را معیار قرار می‌دهند. آنها می‌گویند فقیه باید اطمینان پیدا کند که چنین روایتی صادر شده است؛ یعنی فقیه باید وثوق به صدور داشته باشد.
- اگر کسی چنین مبنایی را بپذیرد، از این جهت فقه و اصول و تاریخ کاملاً به یکدیگر شبیه خواهند شد. زیرا همان طور که گفتیم در علم تاریخ، معیار سندیت یک سند، وثوق مورخ به صدور چنین سندی است.

أ. بررسی صدور اسناد

- به این نکته هم باید توجه داشته باشیم که فقها و اصولی‌هایی که موثوقیت صدور را مطرح می‌کنند، معمولاً وثاقت راوی را یکی از عوامل موثوقیت صدور معرفی می‌نمایند. در نظر آنان یکی از عواملی که به واسطه‌ی آن به صدور یک روایت اطمینان پیدا می‌کنیم، این است که راوی شخص مورد اعتمادی باشد.

أ. بررسی صدور اسناد

- اما موثوقیت صدور فقط منحصر در این نیست که راوی ثقه باشد. ممکن است راوی یک روایت ثقه نباشد یا وثاقتش احراز نشده باشد، اما ما به دلیل عمل اصحاب یا کثرت نقل روایت در کتب مختلف و یا... به صدور روایت وثوق پیدا کنیم.

أ. بررسی صدور اسناد

- از آن سو، آنها که قایل به معیار وثاقت راوی هستند و می‌گویند باید راوی ثقة باشد تا بتوانیم به خبر عمل کنیم، وثوق به صدور یک روایت را برای حجت آن روایت انکار نمی‌کنند. یعنی می‌پذیرند که اگر شخصی به صدور یک روایت اطمینان پیدا کند، آن روایت حجت است. زیرا در بحث اطمینان بر این نکته تأکید می‌کنیم که اطمینان مطلقاً حجت است.

أ. بررسی صدور اسناد

- بنابراین اگر فقیه اطمینان پیدا کند که روایتی از امام صادق علیه السلام صادر شده است، آن روایت برای وی حجت است؛ اگرچه ممکن است روایت از طریق راویان غیر ثقة یا راویانی که وثاقتشان محرز نیست، نقل شده باشد.
- اما در نظر اینان یعنی اینها که معیار را وثاقت راوی می‌دانند، لازم نیست وثوق به صدور پیدا کنیم. همین مقدار که راویان یک روایت ثقة هستند، آن روایت برای ما حجت است؛ اگرچه اطمینان به صدور روایت نداشته باشیم.

أ. بررسی صدور اسناد

- بدیهی است جایگاه بحث از معیار حجیت یک روایت در خود علم اصول است و ما فقط در اینجا از منظر روش شناسی به آن نگاه می‌کنیم. آنچه در اینجا اهمیت دارد این است که اصولی در پاره‌ای از مباحث به خصوص آنجا که از طریق سنت به اثبات مطلبی می‌پردازد، از روش نقلی بهره می‌گیرد و در این طریق، بررسی اسناد یکی از کارهای مهم است.

أ. بررسی صدور اسناد

- به طور مثال برای اثبات حجیت استصحاب، عمده‌ی مدرک اصولی روایاتی است که در این مسأله وارد شده است. بخشی از کار اصولی، ارزیابی سند این روایات است. همین طور در بحث براءت عقلی اصولی باید به ارزیابی روایاتی پردازد که در این زمینه وارد شده است. در بحث احتیاط شرعی و احتیاط عقلی نیز که اخباری‌ها قایل به آن هستند و اصولی‌ها منکر آن می‌باشند، یکی از بحث‌های مطرح، ارزیابی سند روایات مورد تمسک است.

أ. بررسی صدور اسناد

- واضح است وقتی می‌گوییم اصولی‌ها در بحث سنت به ارزیابی اسناد می‌پردازند، مقصودمان بحث از حجیت خود سنت نیست. همان‌طور که قبلاً هم گفتیم بحث از حجیت خود سنت - یعنی حجیت قول یا فعل یا تقریر معصوم علیه السلام - یک بحث اصولی نیست، بلکه یک بحث کلامی است و اگر احیاناً در اصول مطرح شده از مباحث استطرادی بوده است. بله بحث از حجیت خبر واحد که نقل سنت است یک بحث اصولی به شمار می‌آید.

أ. بررسی صدور اسناد

- عدم ارزیابی سندی در متون یقینی
- بحث ارزیابی سندی در اصول در جایی مطرح است که سند یقینی نباشد. اگر سندی یقینی باشد، اصولی به ارزیابی آن نمی‌پردازد. از این رو، هیچ اصولی‌ای در استناد به کتب اربعه‌ی روایی - تهذیب، استبصار، من لا یحضره الفقیه و کافی - که همگی متواترند، بحث سندی ندارد و اگر احیاناً اسنادی به این کتب هست، صرفاً تبرکی است. در واقع این کتب از گذشته بین فقها و اصولی‌ها شناخته شده بودند و دست به دست گشته‌اند. و همین، دلیل متواتر بودن آنها و در نتیجه یقینی بودن آنها است.

أ. بررسی صدور اسناد

- همان طور که کمی قبل اشاره کردیم، علت عدم ارزیابی سندی قرآن نیز تواتر آن است. قرآنی که امروز در اختیار ما است، همان قرآنی است که در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله بر حضرت نازل شد و توسط کتاب به رشته تحریر درآمد و با هدایت خود پیامبر صلی الله علیه وآله جمع آوری و تدوین شد و نسل به نسل منتقل گردید.